

CLIVE M. SCHMITTHOFF

ترجمه:

علی مخبرالصفی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

دکترین تطبیق دقیق،  
اصل استقلال اعتبارات  
اسنادی و آثار حیلہ و تقلب  
در این گونه اسناد



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ● مقدمه<sup>۱</sup>

اعتبارات اسنادی آنچنان با تجارت بین‌المللی آمیخته‌اند که از آنها به‌عنوان ماده اصلی و یا مایه حیات تجارت خارجی نام برده شده است. اعتبارات اسنادی غیرقابل برگشت<sup>۲</sup> که یکی از متداول‌ترین روشهای پرداخت در قراردادهای بین‌المللی هستند به‌صورت زیر توصیف شده‌اند<sup>۳</sup>:

«اعتبارات اسنادی غیرقابل برگشت، و نیز ضمانتنامه‌های بانکی که از لحاظ شرایط صدور همانند اعتبارات اسنادی غیرقابل برگشت

۱. از فصل «بیست و چهارم کتاب تجارت خارجی نوشته پرفسور «کلايو اشمیتهوف» سه بخش «استقلال اعتبارات اسنادی»، «دکترین تطبیق دقیق» و «تأثیر حيله و تقلب در پرداخت طی این اسناد» ترجمه شده است. به‌عنوان مقدمه این سه بخش، خلاصه‌ای از مشخصات اعتبارات اسنادی تألیف همان نویسنده آورده شده است. این مباحث عمدتاً براساس حقوق انگلستان تجزیه و تحلیل شده‌اند.

2. Irrevocable Letters of Credit

3. Donaldson L. J. in *Intra Co. Ltd. V. Notis Shipping Corporation of Liberia* (1981) 2 J.Loyd's Report, 256, 257.

هستند، مایه حیات تجارت محسوب می‌شوند. بجز مواردی که حیل و تقلب محقق گردد، دخالت دادگاهها در جریان پرداخت از طریق اعتبارات اسنادی لطمات جبران‌ناپذیری را به تجارت وارد خواهد ساخت، زیرا حقوق مکتسبه ذینفع یک اعتبار اسنادی مانند و برابر با حقوق شخصی است که وجه نقد در اختیار دارد.»

وجه مشترک انواع مختلف اعتبارات اسنادی این است که خریدار از طریق بانکی که در کشور فروشنده مستقر است ترتیب پرداخت ثمن معامله را در قبال ارائه اسناد حمل کالا می‌دهد.<sup>۴</sup>

هنگامی که فروشنده و یا ذینفع اعتبار اسنادی، اسناد مورد نظر را به بانک ارائه می‌نماید بانک، در مقابل دریافت مدارک مزبور، نسبت به پرداخت اقدام می‌کند. این پرداخت به اشکال مختلف صورت می‌گیرد. گاه به صورت وجه نقد و گاه برات صادره از سوی خریدار به عهده بانک، توسط بانک مورد قبول قرار می‌گیرد و مبلغ اعتبار به محال له پرداخت می‌گردد.

نقش بانکها در جریان اعتبارات اسنادی به نحو زیر تشریح شده

است:<sup>۵</sup>

«بانک به عنوان نماینده خریدار به صورت مستقیم و یا از طریق بانکی دیگر در کشور فروشنده (بانک کارگزار)، در قبال ارائه اسناد حمل توسط ذینفع اعتبار، خود را مسؤول و موظف به پرداخت می‌داند. بانک در مقابل چنین پرداختی اسناد حمل را که به او تحویل می‌گردد به عنوان گروگان خود تلقی می‌کند. این گروگان زمانی آزاد می‌شود که خریدار، کمیسیون بانک به اضافه مبالغ پرداختی در وجه فروشنده را به بانک باز پرداخت نماید. ممکن است خریدار، قبل از سررسید اعتبار، مبالغ قابل پرداخت به فروشنده را به بانک انتقال دهد و یا اینکه متعهد گردد مبالغ پرداختی توسط بانک را به او باز پرداخت نماید.»

۴. از جمله این اسناد بارنامه دریایی، گواهی بیمه و یا گواهی مبدأ هستند.

5. H.C. CUTTERIDGE and MAURICE MEGRAH: The Law of Banker's Commercial Credits. (6th ed. 1979), p. 1.

این توصیف جوهر و ذات این گونه معاملات را روشن می‌سازد، به این صورت که بارنامه صادره به منزله (در حکم) سند مالکیت کالای مورد معامله عمل می‌کند.<sup>۶</sup> و درست به همین دلیل است که پس از ارائه بارنامه (سند حمل کالا)، ذینفع و یا فروشنده، ثمن معامله را از بانک دریافت می‌دارد. همان گونه که لرد «رایت» در یک پرونده اظهار نظر نمود: «در جریان کلی تجارت بین‌المللی همواره پرداخت در مقابل اسناد صورت می‌پذیرد و این سبب می‌شود که زمان ارسال کالا متصل به زمان «پرداخت در قبال اسناد» گردد». [در واقع، فروشنده به محض ارسال کالا و دریافت بارنامه، با ارائه آن به بانک، مبلغ مورد معامله را دریافت می‌دارد.]  
 تعریف جامع و کامل اعتبارات اسنادی را می‌توان در مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (۱۹۸۳) یافت.<sup>۷</sup>

منظور از اصطلاحات اعتبار و یا اعتبارات اسنادی و نیز اعتبارات «standby» (تضمینی)<sup>۸</sup> مندرج در این مقررات هرگونه عملکرد و یا ترتیبی است که به موجب آن بانک (بانک صادرکننده) براساس دستورالعملهای مشتری (متقاضی اعتبار):

الف. باید در وجه و یا به حواله کرد شخص ثالث (ذینفع) پرداخت

۶. دلیل اینکه بارنامه صادره به عنوان سند مالکیت کالا است این است که خریدار پس از وصول بارنامه (bill of lading) می‌تواند، بدون اینکه منتظر تحویل واقعی کالای خریداری شده باشد، بارنامه مزبور را مورد معامله قرار دهد و شخص منتقل‌الیه جانشین و مالک کلیه حقوق خریدار اولیه می‌گردد. م

7. Uniform Customs and Practice for Documentary Credit (1983 Revision).

۸. فرق بین اعتبارات اسنادی عادی و «standby letters of credit» این است که در اعتبارات عادی و معمولی اسناد قابل ارائه به بانک معمولاً اسناد حمل مرتبط با قرارداد فیما بین خریدار و فروشنده است، مثل بارنامه و یا گواهی بیمه، ولی در مورد اعتبارات اخیرالذکر هر نوع مدرکی ممکن است به بانک ارائه شود؛ برای مثال، ممکن است صرفاً یک تقاضای دریافت وجه توسط ذینفع به بانک ارائه گردد و یا فقط یک اخطار مبنی بر اینکه طرف مقابل مرتکب خطا و یا قصوری در قرارداد شده است از سوی ذینفع صادر گردد. از این لحاظ، این گونه اعتبارات تا حدود زیادی شبیه به ضمانتنامه‌های بانکی هستند.

و یا براتهای صادره توسط ذینفع را قبول کند، و یا  
ب. بانک دیگری را (بانک کارگزار) نماینده خود قرار دهد تا  
نسبت به پرداخت وجه و یا قبول براتهای صادره یا ظهرنویسی و انتقال  
این گونه براتها اقدام نماید.  
بانک این خدمات را فقط در قبال ارائه مدارک صحیح و منطبق با  
دستورالعمل و شرایط اعتبار انجام خواهد داد. پس از ذکر مقدمه فوق و  
تعاریف مختلف اعتبارات اسنادی، دو قاعده اساسی و جاری در اعتبارات  
اسنادی و نیز آثار وقوع حيله و تقلب در پرداخت این اسناد مورد بحث قرار  
می گیرند.

### اعتبارات اسنادی کاملاً مستقل از قرارداد منعقدہ بین خریدار و فروشنده هستند<sup>۹</sup>

بر اساس این قاعده، اعتبار اسنادی صادره کاملاً جدا و مستقل از  
قرارداد اصلی فیما بین فروشنده و خریدار و یا هر نوع قرارداد دیگری  
است. بانک پرداخت کننده وجه، در واقع، تنها با یک موضوع مواجه است:  
آیا اسناد ارائه شده توسط فروشنده همان اسنادی است که خریدار طی  
دستورالعمل خود خواسته است تا پرداخت در مقابل ارائه آنها صورت پذیرد؟  
بر این اساس، قرارداد اصلی که اعتبار اسنادی در اجرای آن صادر  
شده به هیچ وجه از لحاظ بانک مد نظر نیست و اصولاً پرداخت از طریق  
اعتبار اسنادی ارتباطی به قرارداد بین فروشنده و خریدار و شروط مندرج در  
آن ندارد.

تنها وضعیتی که استثنائاً بانک از پرداخت خودداری می کند  
حالتی است که فریب و تقلب<sup>۱۰</sup> به وقوع می پیوندد و اثبات می گردد که

9. Autonomy of Letters of Credit  
10. fraud

فروشنده (ذینفع اعتبار) نیز از این فریب و تقلب آگاه بوده است.<sup>۱۱</sup> این استثناء به «استثنای تقلب»<sup>۱۲</sup> نیز مشهور است.

اصل استقلال اعتبارات اسنادی در مواد ۳ و ۴ از مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی درج گردیده است:

#### مادۀ ۳

«اعتبارات اسنادی، بنا بر ماهیتشان، از قرارداد فروش و یا هر نوع قرارداد دیگری که براساس آن صادر شده اند جدا و مستقل هستند. بانکها، حتی اگر رجوع به مواد و شروط قرارداد در شروط مندرج در اعتبار اسنادی قید شده باشد، به هیچ وجه خود را ملزم به این قراردادها نمی دانند.»

#### مادۀ ۴

«در پرداخت از طریق اعتبار اسنادی تمام اشخاص ذیربط فقط با اسناد در ارتباط هستند و به هیچ وجه ارتباطی با خود کالا یا خدمات یا هر نوع اجرای تعهد دیگری، که مرتبط با اسناد است، ندارند.»

این خصیصه استقلال که در اعتبارات اسنادی موجود است تا حدودی آنها را به برات شبیه می سازد.<sup>۱۳</sup> این مفهوم توسط لرد دنینگ<sup>۱۴</sup> در یک پرونده<sup>۱۵</sup> مورد اظهار نظر قرار گرفته است:

«بانکی که اعتبار اسنادی صادر می کند باید به تعهد خود عمل نماید و این یک امر اساسی است. بانک به هیچ وجه خود را داخل و مرتبط با

11. United City Merchants (INVESTMENTS) Ltd. v. Royal Bank of Canada. (1983). A.C. 168 on fraud affecting Letter of Credits.

12. fraud exception

۱۳. البته، حقوقی که دارنده قانونی برات در برابر افراد ماقبل خود و صادرکننده برات دارد به هیچ وجه با اعتبارات اسنادی شبیه نیست و لذا از عبارت فوق نباید شباهت کامل برات با اعتبارات اسنادی استنباط گردد.

14. Lord Denning

15. Power Curber International Ltd. v. National Bank of Kuwait (1981) 1 W.L.R., on p. 1241.

دعوی خریدار و فروشنده نمی‌داند. خریدار ممکن است ادعا کند که کالای ارسالی با اجناس مورد قرارداد تفاوت دارد. با این حال، بانک باید پرداخت نماید. خریدار ممکن است مدعی شود که دعوی متقابلی با خواسته‌ای قابل توجه علیه فروشنده دارد. در این حالت نیز بانک باید بدون توجه به این ادعا پرداخت نماید. اعتبار اسنادی، از این جهت، مانند یک برات است که خریدار آن را به منظور پرداخت ثمن معامله به فروشنده می‌دهد، و در واقع، در ردیف وجه نقد قرار دارد و هیچ گونه تهاتر و یا دعوی متقابل آن را از اعتبار نمی‌اندازد؛ مضافاً به اینکه اگر برات توسط خریدار صادر و به فروشنده تسلیم می‌شود، اعتبار اسنادی با این قصد مهم و اساسی که هیچ گونه تهاتر و یا دعوی متقابلی راه پرداخت آن را سد نکند توسط بانک صادر می‌گردد.»

در پرونده فوق‌الذکر یک شرکت کویتی مقداری ماشین آلات از شرکت امریکایی «Power Curber» خریداری کرد. بانک ملی کویت یک اعتبار اسنادی غیرقابل برگشت صادر نمود و به «بانک امریکا» در میامی دستور العمل داد که از طریق بانکی در کارولینای شمالی صدور اعتبار اسنادی را به اطلاع کمپانی امریکایی برساند. ماشین آلات موضوع قرارداد به موقع تحویل شد، ولی کمپانی کویتی دعوی متقابلی را علیه فروشندگان در دادگاههای کویت اقامه کرد. دادگاه کویتی در رأی خود بانک را از پرداخت وجه اعتبار اسنادی منع نمود. فروشندگان کالا علیه بانک که آدرس ثبت شده‌ای در لندن داشت اقامه دعوی کردند و دادگاه انگلیسی دادنامه‌ای علیه بانک صادر نمود که مورد تأیید دادگاه استیناف قرار گرفت. دادگاه در رأی خود اظهار نظر کرد که رأی دادگاه کویتی تأثیری بر روی انجام تعهد بانک مبنی بر پرداخت براساس اعتبار اسنادی ندارد؛ به علاوه، رأی دادگاه کویت نمی‌تواند تأثیری در ماورای قلمرو کشور کویت داشته باشد. براساس این رأی دادگاه انگلیسی این مطلب استنباط می‌گردد که می‌توان علیه بانکی که قصد عدم انجام تعهد خود را دارد اقامه دعوی کرد و بایک دادرسی اختصاری او را وادار به پرداخت نمود.



بعلاوه، دادگاهها معمولاً از صدور «Mareva Injunction»<sup>۱۶</sup> مبنی بر منع بانک از پرداخت وجه اعتبار اسنادی خودداری می‌ورزند، ولی به طور معمول دستور توقیف اموال ذینفع یک اعتبار اسنادی را پس از اینکه وجه اعتبار اسنادی را وصول نمود صادر می‌کنند.

لرد دنینگ در پرونده‌ای چنین اظهار نظر نمود:

«دادگاه دستور منع بانک از پرداخت را صادر نخواهد کرد ولی ممکن است دستور توقیف وجه و منافی را که خوانده از بانک دریافت داشته است صادر نماید.»<sup>۱۷</sup>

### نظریه تطبیق دقیق و یا کامل در اعتبارات اسنادی<sup>۱۸</sup>

بر اساس این قاعده حقوقی، بانک می‌تواند اسنادی را که به طور کامل و دقیق با مفاد و شرایط اعتبار اسنادی مطابقت ندارد، بپذیرد و نهایتاً در مقابل چنین اسنادی پرداخت نکند. این قاعده به «نظریه تطبیق کامل» مشهور است. دلیل این قاعده این است که بانک کارگزار (ابلاغ کننده) نماینده بانک صادرکننده اعتبار اسنادی، و بانک اخیرالذکر نیز نماینده خریدار است. اگر این نمایندگان، که اختیارات محدودی دارند، برخلاف آنچه به آنها اختیار داده شده است (در اصطلاح بانکی خارج از اختیار است) عمل نمایند اصیل محق خواهد بود که عمل نماینده خود را رد کند و از باز پرداخت وجوه پرداختی توسط آنها خودداری نماید.

۱۶. اگر دادگاههای انگلیس در خصوص یک دعوی صلاحیت داشته باشند و یا فرض صلاحیت کنند می‌توان از آنها درخواست کرد تا دستور موقتی مبنی بر منع و جلوگیری از خروج اموال خوانده از حوزه صلاحیت دادگاههای انگلیسی صادر نمایند. این نوع دستور تحت عنوان «Mareva Injunction» نامیده می‌شود. این نام پس از دعوی زیرمتداول شده است:

Mareva Compania Naviera S.A. v. Int. Bulk Carriers S.A.; THE MAREVA. (1972) 2 Lloyd's Rep., 509 (C.A).

17. Z. Ltd. v. A-Z and AA-LL (1982) Q.B. 556, 574.

18. doctrine of strict compliance

به فرض، هنگامی که قیمت جنس خریداری شده در حال سقوط است طبیعتاً خریدار سریعاً از قبول اسنادی که بانک پذیرفته است خودداری خواهد نمود و این بهانه را مطرح می‌کند که اسناد دقیقاً با شرایط اعتبار اسنادی صادره تطبیق ندارند. بعلاوه، اصولاً بانک به اقتضای شغل خود صرفاً با امور مالی قراردادها و پرداخت مبلغ آنها در ارتباط است و به هیچ وجه با خود کالا ارتباطی ندارد.<sup>۱۹</sup>

بانکها معمولاً اطلاعی راجع به عرفهای مخصوص معاملات ندارند. بنابراین، اگر اسناد ارائه شده دقیقاً با شرایط اعتبار اسنادی منطبق نباشند بانکها از پرداخت خودداری خواهند کرد. در چنین حالتی، این فروشنده است که باید از خریدار کالا تقاضا کند که با صدور دستور جدیدی از بانک بخواهد که مدارک ارائه شده توسط او را قبول نماید.

استنکاف بانک از قبول اسناد، در مواردی که عدم تطابق آنها با مفاد اعتبار اسنادی ظاهراً بسیار ناچیز است، در مقررات «UCP» منع نشده و طبق مقررات مذکور مجاز است، و در مواردی هم که دعویسی طرح شده اکثریت قریب به اتفاق دادگاهها چنین استنکافی را مورد تأیید قرار داده‌اند.

لرد سامر<sup>۲۰</sup> نظریه تطبیق دقیق را چنین بیان داشته است:

«برای اسنادی که تقریباً همانند و مطابق با اسناد مورد درخواست خریدار (مذکور در شرایط اعتبار) هستند، جایی وجود ندارد.»<sup>۲۱</sup>

[در واقع، حتی اسناد تقریباً یکسان با مدارک مذکور در شرایط اعتبار، ولو با جزئی اختلاف، باید توسط بانک مردود اعلام شوند.]  
مثال زیر، نظریه «تطبیق دقیق» را روشن می‌سازد:

۱۹. رک. مفاد ماده ۴ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی.

20. Lord Summer

21. (1927) 27 L.I.R., 49. 52.

در پرونده‌ای<sup>۲۲</sup> خوانندگان مقداری وانیل از یک فروشنده در «باتاویا» (در حال حاضر جاکارتا) خریداری کردند و از بانک [خواهان] خواستند که یک اعتبار اسنادی تأیید شده<sup>۲۳</sup> به نفع فروشنده صادر نماید و در قبال ارائه اسناد توسط او، از جمله یک گواهی کیفیت کالا که توسط کارشناسان صادر شده باشد، مبلغ مورد قرارداد را به فروشنده بپردازد. به دلیل ابهام در بعضی از کلمات کد فیما بین بانکها، بانک کارگزار در جاکارتا به فروشنده اطلاع داد که مبلغ مورد قرارداد در برابر ارائه گواهی صادره از سوی کارشناس قابل پرداخت است. فروشنده که مرتکب تقلب و حيله شده و عمدتاً کالای بی ارزشی را برای خریدار ارسال داشته بود توانست وقوع چنین تقلبی را از نظر کارشناس صادرکننده گواهی کیفیت کالا مخفی نگه دارد.

مجلس لردها در این دعوی رأی داد که بانک خواهان استحقاق دریافت مبالغ اعتبار اسنادی پرداختی را از خریدار ندارد، زیرا بجای اینکه در برابر ارائه گواهی از سوی حداقل دو کارشناس وجه اعتبار را پرداخت کند، در برابر گواهی فقط یک کارشناس نسبت به پرداخت اقدام کرده است.

در پرونده دیگری<sup>۲۴</sup> خریدار که یک کمپانی ایتالیایی بود مقداری غذای ماهی محصول شیلی را از یک شرکت فروشنده نیویورکی خریداری کرد. براساس قرارداد «C & F» که بر روی فرم مخصوص اتحادیه تجارته<sup>۲۵</sup> تنظیم شده بود، از جمله صدور اعتبار اسنادی از طریق یک بانک نیویورکی نیز شرط شده بود. در میان اسنادی که می بایست به بانک ارائه می شد یک بارنامه دریایی به حواله کرد<sup>۲۶</sup> خریدار و با درج عبارت «هزینه حمل پیش پرداخت شد» و نیز یک گواهی مبنی بر اینکه کالای ارسالی دارای

22. Equitable Trust Co. of New York. v. Dawson Partners Ltd. (1927) 24 L.I.R 49, 52.

23. confirmed

24. Soporma S.P.A. v. Marine & Animal by Products Co. (1966) 1 Lloyd's Rep.. 367.

25. London Cattle Food Trade Association

26. in order

حداقل ۷۰ درصد پروتئین است، وجود داشت. مجموعه مقررات متحدالشکل اعتبار اسنادی نیز حاکم بر اعتبار اسنادی مورد بحث بود. فروشندگان در نیویورک بارنامه دریایی را به بانک ارائه دادند که به حواله کرد نبود و لذا غیرقابل نقل و انتقال بود، و جمله «هزینه حمل پیش پرداخت شد» نیز بر روی آن وجود نداشت. این بارنامه، برعکس، حاوی جمله ای بود که از آن عدم پیش پرداخت کرایه حمل استنباط می شد.<sup>۲۷</sup> گواهی مبنی بر وجود ۷۰ درصد پروتئین هم فقط میزان ۶۷ درصد را نشان می داد و نیز با اینکه در فاکتورهای ارسالی عبارت «غذای کامل ماهی» ذکر شده بود در بارنامه دریایی عبارت «غذای ماهی» آمده بود. خریدار از قبول چنین اسنادی استنکاف ورزید و متعاقباً پس از انقضای مدت اعتبار اسنادی، فروشنده دومین سری اسناد را به جای بانک مستقیماً برای خریدار ارسال داشت و در میان این اسناد یک رسید پرداخت کرایه حمل که نمایانگر پیش پرداخت کرایه بود و نیز یک گواهی مبنی بر وجود حداقل ۷۰ درصد پروتئین در کالای موضوع قرارداد وجود داشت. خریدار این اسناد را نیز نپذیرفت و پس از ارجاع امر به داوری، دعوی در یک دادگاه انگلیسی طرح شد. قاضی دادگاه<sup>۲۸</sup>، براساس دلایل زیر، استنکاف خریدار از قبول اسناد را مورد تأیید قرار داد:

۱. ارسال مستقیم دومین سری مدارک برای خریدار کلاً نامربوط است و باید مطلقاً نادیده گرفته شود.<sup>۲۹</sup>

۲. اولین سری مدارک ارائه شده به بانک در نیویورک به دلایل زیر ناقص بوده است:

الف. بارنامه دریایی دارای مارک «کرایه پیش پرداخت شد» نبود

27. collect freight

28. Mc Nair J.

۲۹. براساس استدلال مک نایر هنگامی که طرفین از طریق بانک ترتیب پرداخت را می دهند نمی توانند با حذف بانک جریان پرداخت را کوتاه نمایند. به این دلیل ارائه مستقیم اسناد به خریدار (با حذف بانک) بدون وجه قانونی است و کلاً نادیده گرفته می شود.

و مارک موجود بر آن دلالت بر پیش پرداخت کرایه نداشت. مضافاً به اینکه چون بارنامه به حواله کرد صادر نشده بود، بنابراین، قابل نقل و انتقال نیز نبوده و در نهایت، بارنامه صادره یک بارنامه کامل که در قراردادهای «CIF» و «C & F» باید توسط فروشنده ارائه گردد نبوده است.

ب. گواهی کیفیت کالا به میزان قابل توجهی مقدار پروتئین را کمتر از میزان قراردادی نشان داده بود.

ج. در مورد توصیف کالا در بارنامه دریایی (بکارگیری عبارت «غذای ماهی» به جای «غذای کامل ماهی») از آنجا که کالا در فاکتور بازرگانی<sup>۳۰</sup> صحیح توصیف شده بود لذا از این لحاظ اشکالی بر بارنامه دریایی وارد نیست. زیرا برابر ماده ۳۳ مقررات متحدالشکل راجع به اعتبارات اسنادی، اگر در فاکتور بازرگانی، کالا دقیقاً توصیف شده باشد توصیف کلی کالا در بارنامه دریایی کفایت می‌کند.<sup>۳۱</sup>

هنگامی که بانک از طریق اعتبار اسنادی تأیید شده پرداخت می‌کند و چنین پرداختی بر اساس اسناد و مدارک ناقص صورت می‌پذیرد، اصیل (بانک صادرکننده اعتبار یا خریدار) اگر چنین پرداختی را قبول و تنفیذ نماید، دیگر حق اعتراض به بانک و عدم باز پرداخت وجه پرداختی بانک را ندارد.

قصد خریدار مبنی بر قبولی و تنفیذ مدارک ناقص را می‌توان از عدم عکس العمل او نسبت به چنین پرداختهایی [پرداخت بر اساس مدارک ناقص] استنباط کرد.

بانک صادرکننده اعتبار و یا خریدار باید به محض کشف نقص از

30. commercial invoice

۳۱. در عوای «SH Rayner & Co. v. Hambros Bank Ltd. (1934) IK.B» با وجود اینکه مشخصات دقیق کالا در فاکتور بازرگانی ذکر شده بود دادگاه با اعمال دکترین «تطبیق دقیق» استکاف بانک از قبول بارنامه را - که مشخصات کلی کالا در آن درج شده بود - تأیید کرد، زیرا در این دعوی، برخلاف دعوی Soproma (فوق الذکر)، مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP) بر اعتبار صادره حاکم نبود.

صورت ظاهر سند، نسبت به عدم قبول و رد آن اقدام نماید. چنانچه دریافت کننده مدارک ناقص، با وجود آشکار بودن نقص، پس از دریافت و بازرسی خود کالا از قبول اسناد ناقص استنکاف ورزد این عدم قبولی مؤثر نیست و چنین تأخیری به عنوان قبولی و تنفیذ عمل بانک کارگزار تلقی می‌گردد.

در دعوی بانک ملی ایران علیه «بانک بارکلی»<sup>۳۲</sup> یک تاجر ایرانی مقداری کامیون امریکایی از یک فروشنده انگلیسی خریداری نمود. براساس دستورالعمل خریدار، بانک ملی ایران یک اعتبار اسنادی برای فروشندگان کالا صادر کرد و از طریق بانک بارکلی به عنوان بانک کارگزار گشایش اعتبار، به فروشنده ابلاغ گردید. دستورالعمل خریدار به بانک به این صورت بود که مبلغ مندرج در اعتبار اسنادی در برابر «صد دستگاه کامیون شورلت جدید» به فروشنده پرداخت گردد. خریدار همچنین ارائه گواهی دولت امریکا را مبنی بر تأیید نوع کامیونها خواستار شد. اسناد ارائه شده به بانک بارکلی مبهم و مفاد آنها با یکدیگر در تعارض بود. در فاکتور ارائه شده ذکر شده بود که کامیونها «در وضعیت جدید» هستند و گواهی دولت امریکا نیز از «نو، خوب»<sup>۳۳</sup> بودن کامیونها حکایت می‌کرد. در دستورالعمل تحویل به کلمات «نو-خوب»<sup>۳۴</sup> اشاره شده بود (تمامی عبارات و کلمات داخل گیومه عیناً نقل شده است).

بانک کارگزار این اسناد را پذیرفت و در برابر آنها پرداخت نمود. بانک ملی ایران پس از دریافت اسناد به بانک بارکلی اعلام کرد که اسناد مزبور ناقص بوده‌اند. ولی، با این حال، آنها را قبول می‌کند. پس از مدتی بانک ملی ایران به بانک کارگزار (بارکلی) اجازه داد که میزان اعتبار را افزایش دهد ضمن اینکه خریدار ایرانی نیز اولین محموله کالا را در ایران مورد بازدید قرار داد. پس از شش هفته بانک ملی ایران اسناد را مردود

32. Bank Melli Iran. v. Barckleys Bank (1951) 2 Lloyd's Rep. 367.

33. Good, New

34. Good-New

اعلام کرد. در این پرونده قاضی دادگاه<sup>۳۵</sup> رأی داد که: (۱) اسناد ناقص بوده اند و بانک بارکلی می‌بایست از قبول آنها خودداری می‌کرد؛ (۲) ولی با توجه به اوضاع و احوال پرونده، بانک ملی ایران قبول آنها را اجازه و تنفیذ نموده و لذا دیگر حقی در عدم قبول آنها ندارد.

### تأثیر تقلب و حيله در اعتبارات اسنادی<sup>۳۶</sup>

همان گونه که قبلاً بحث شد یکی از اصول اساسی در اعتبارات اسنادی استقلال آنها است و اصولاً نظام اعتبار اسنادی بر روی این اصل بنا شده است. این بدان معنا است که بانک به هیچ وجه ارتباطی با اختلافات بین خریدار و فروشنده در قرارداد فیما بین نخواهد داشت. فقط یک استثناء بر این قاعده وارد شده و آن وقوع تقلب و حيله است.<sup>۳۷</sup> این استثناء در موارد بسیار محدودی قابل اعمال است. هنگامی که صحیحاً به فریب و تقلب استناد شود، هر دو بانکی که در صدور اعتبار اسنادی دخالت دارند (بانک صادرکننده و بانک کارگزار)، باید از پرداخت وجه اعتبار خودداری ورزند. برخلاف حالت عدم تطابق اسناد با شرایط اعتبار، بحث ما در این قسمت مربوط به حالتی است که اسناد از لحاظ صورت ظاهر با شرایط اعتبار منطبق اند ولی این اسناد به ظاهری نقص از طریق تقلب و حيله تهیه شده اند.

این گونه تقلبها معمولاً به خود اسناد مربوط می‌شود، به این صورت که اسناد در ارتباط با موضوع خود (کالا) جعلی و غیر واقعی هستند اگرچه صورت ظاهر آنها کاملاً صحیح و بی نقص است. ادعای تقلب معمولاً از ناحیه خریدار اقامه می‌شود و با این ادعا او

35. Mc Nair J.

36. Fraud Affecting Letters of Credit

37. fraud exception

سعی دارد که بانک را از انجام تعهد خود مبنی بر پرداخت در وجه فروشنده منع سازد.

خریدار ممکن است ادعا کند که فروشنده کالای بی ارزش ارسال کرده و یا اصلاً کالایی را ارسال نکرده و یا اینکه بارنامه صادره به صورت جعلی و متقلبانه صادر شده است. بارنامه‌ها ممکن است دارای تاریخ جعلی باشند، بدین صورت که تاریخ حمل و یا بارگیری به صورت متقلبانه‌ای به طور جعلی با تاریخ قراردادی منطبق گردد.

بانک موظف نیست که به صورت فعال صحت ادعای خریدار را احراز و یا اثبات کند. بانک ممکن است یک نقش انفعالی را ایفا نماید و صرفاً مدارکی را که توسط خریدار در مورد تقلب فروشنده به وی ارائه شده است ارزیابی کند.

اگر رسیدگی به موضوع تقلب در دادگاه مطرح گردد دادگاه رسیدگی کننده، براساس اطلاعات موجود در زمان رسیدگی، تصمیم گیری خواهد کرد و این موضوع که در مراحل قبل از دعوی، بانک از وقوع تقلب مطلع نبوده است هیچ گونه تأثیری در تصمیم دادگاه نخواهد داشت.

در تعیین این مسأله که استثنای حيله و تقلب چه موقع مورد قبول قرار می‌گیرد و اعمال می‌شود سه وضعیت زیر باید دقیقاً بررسی و مطالعه گردد:

اول. خریدار با بانک تماس می‌گیرد و ادعا می‌کند که حيله و تقلب رخ داده و این ادعا حتی براساس یک ظن قوی نیز استوار است، یا اینکه بانک بدون اینکه خریدار با او تماس حاصل کند نسبت به وقوع تقلب مشکوک گردد.

اگر فقط تا این اندازه خریدار و یا بانک به وقوع تقلب و حيله مشکوک هستند پرداخت باید توسط بانک انجام پذیرد. قاضی یک دادگاه در پرونده‌ای اظهار نظر کرد که «دخالت در اعتبارات اسنادی غیرقابل برگشت بسیار با احتیاط باید انجام پذیرد و چنین دخالتی در امور بانکی بین المللی به هیچ وجه نباید رخ دهد، مگر اینکه یک دلیل بسیار واضح مبنی



بر وقوع تقلب وجود داشته باشد.»<sup>۳۸</sup>

دادگاه استیناف نیز در پرونده دیگری<sup>۳۹</sup> از صدور دستور مبنی بر منع بانک از پرداخت خودداری کرد. «بنابراین، در یک حالت کاملاً استثنایی دادگاه دستور منع بانک از پرداخت را صادر می‌کند. این حالت عبارت از این است که برای بانک کاملاً اثبات گردد که تقاضای پرداخت توسط ذینفع که به بانک تسلیم شده و یا در آینده به او تسلیم خواهد شد، به طور واضح، متقلبانه است.

همچنین، مدرک مربوط باید از لحاظ وقوع تقلب و نیز آگاهی بانک به وقوع تقلب روشن باشد. معمولاً دادگاه بر اساس یک ادعای بدون پشتوانه به اسناد قوی چنین دستوری را صادر نخواهد کرد. دلیل این سختگیری این است که اطلاعات بانک از دستور دادگاه، و نتیجتاً عدم پرداخت، خسارات جبران‌ناپذیری را به اعتباربانکها وارد خواهد ساخت.»

دوم. به طور واضح برای بانک اثبات شده که حيله و تقلب رخ داده و یک مدرک کاملاً روشن نیز مثبت این امر است (برای مثال، بانک اطمینان حاصل کرده است که، بعضی یا تمام مدارک، متقلبانه تنظیم و یا جعل شده‌اند)؛ ولی بانک مدرکی مبنی بر اینکه شخص ذینفع اعتبار (فروشنده) نیز از وقوع این تقلب آگاه است ندارد. یک امکان وجود دارد که شخص ثالثی مرتکب تقلب شده است (برای مثال، یک واسطه و یا یک عامل حمل و نقل کالا برای اینکه ارسال خارج از موعد کالا را مخفی سازد اقدام به جعل تاریخ بارنامه کرده و شخص فروشنده نیز از انجام این عمل خلاف بی‌خبر است).

حتی در این حالت ممکن است گفته شود که قاعده «تقلب همه چیز را دربر می‌گیرد»<sup>۴۰</sup> (تقلب هر چیز را فاسد می‌سازد) جاری می‌شود.

38. Discount Records Ltd. v. Barckleys Bank Ltd. (1975) 1 W.L.K., 315-320.

39. Bolivinter Oil SA. v. Chase Manhattan Bank N.A. (1984) 1 Lloyd's Rep. 251, 265.

۴۰. «Fraud unravels all»، در واقع، آثار وقوع کلاهبرداری و تقلب ذینفعی را هم که از آن

مطلع نبوده و هیچ نقشی در آن نداشته است، دربر می‌گیرد.

ولی برخلاف این قاعده، در دعوی «یونایتد سیتی مرچانتز»<sup>۴۱</sup> خریداران پرویی اجزاء یک کارخانه فیبر شیشه‌ای را از فروشندگان انگلیسی خریداری کردند... تاریخ بارنامه دریایی جعل شده بود و روز ۱۵ دسامبر ۱۹۷۶ را نشان می‌داد. این روز آخرین روز مجاز بارگیری بود ولی، در واقع، کالا خارج از موعد قراردادی بارگیری شده بود. رویال بانک کانادا که اعتبار اسنادی را تأیید کرده بود از این تقلب مطلع بود زیرا در ارائه اولین سری مدارک، تاریخ بارنامه پاک شده و ۱۵ دسامبر ۱۹۷۶ جاگذاری شده بود. در ارائه دومین سری مدارک، تاریخ اصلاح نشده ۱۵ دسامبر ۱۹۷۶ در بارنامه قرار داشت. بنابراین، گرچه اسناد از لحاظ ظاهر صحیح و واقعی بودند تاریخ دروغین توسط یکی از کارمندان مؤسسه بارگیری جعل شده بود، و فروشندگان کالا هیچ گونه اطلاعی از این حيله نداشتند.

مجلس لردها چنین رأی داد که بانک، با وجود آگاهی از تقلب، باید پرداخت کند زیرا، نه تنها خریدار، بلکه فروشنده نیز قربانی این تقلب شخص ثالث شده است. لرد دیپلاک<sup>۴۲</sup> این سؤال را مطرح ساخت:

«چه وجه تمایز منطقی می‌توان بین حالتی یافت که مدارک (بدون اطلاع فروشنده) بر اثر غفلت و ناآگاهی شخص ثالث حاوی اطلاعات و مشخصات ناصحیح است و حالتی که همان مدارک (باز هم بدون اطلاع فروشنده) به طور آگاهانه و توسط شخص ثالث حاوی اطلاعات خلاف واقع می‌باشد و این جعل به قصد فریب همه، از جمله شخص فروشنده (ذینفع اعتبار)، انجام گرفته است؟»

این تصمیم در جامعه بانکداران با استقبال مواجه نشده است، زیرا این برخلاف عرف معمول بانکی است که پرداخت براساس اسناد جعلی صورت پذیرد. بعلاوه، چنین پرداختهایی ممکن است برای بانک مسؤولیت به وجود آورد. بدین صورت که فروشنده ممکن است یک دعوی براساس

41. United City Merchants Ltd. v. Royal Bank of Canada (1983) 1 A.C. 168.

42. Lord Diplock

قرارداد اقامه کند دایر بر اینکه بانک بر مبنای مدارکی که خود از جعلی بودن آن آگاه بوده است پرداخت نموده و خریدار نیز امکان دارد مدعی شود که بانک وظیفه خود را در اعمال دقت لازم انجام نداده است.

به هر حال، چنین به نظر می‌رسد که در چنین حالت‌هایی چنانچه مقررات متحدالشکل تجاری امریکا (UCC) بر اعتبار اسنادی مورد دعوی حاکم باشد بانک هیچ گونه مسؤولیتی ندارد زیرا، بر اساس ماده ۱۷ این مقررات، «بانکها هیچ گونه مسؤولیتی در قبال صحت و سقم، کامل بودن، اصالت و یا تأثیر حقوقی مدارک ندارند...». ولی این موضوعات و مباحث در پرونده «یونایتد سیتی مرچانتز» مورد تصمیم‌گیری و بحث قرار نگرفت و لذا وضعیت آنها از لحاظ حقوقی نامعلوم باقی مانده است.<sup>۴۳</sup>

سوم. بانک قطع دارد که تقلب واقع شده و ذینفع نیز از جریان آن مطلع است. اگر هر دوی این موارد به نظر بانک قطعی است باید از پرداخت خودداری کند؛ مثلاً هنگامی که ذینفع مدارکی را ارائه می‌دهد و خود از کذب بودن آنها مطلع است و یا اطلاع دارد که شخص دیگری آنها را جعل نموده است، یا اینکه فروشنده مدارکی را ارائه می‌دهد که حاکی از حمل کالا به مقصد کشور خریدار است ولی در واقع پس از ارائه اسناد، فروشنده اقدام به تقلب کرده و کالاهای اساسی را

۴۳. قانون تجارت متحدالشکل قسمت (ب) (۲) ۱۱۴-۵ به دادگاه اختیار می‌دهد که بر اساس اعلام مشتری در خصوص تقلب دستور منع پرداخت صادر نماید. دادگاه‌های امریکا نیازی به اثبات این موضوع که «ذینفع اعتبار نیز از حدوث تقلب انجام شده مطلع بوده و یا در آن دخالت داشته است» احساس نمی‌کنند.

United Bank v. Cambridge Sporting Goods Corp. (New York Court of Appeals, 41 N.Y. 2d 943, 392 N.Y.S. 2d 265 (1976))

همچنین، دادگاه‌های امریکایی در صورتی چنین دستوری را صادر می‌کنند که عدم صدور دستور منع پرداخت سبب خسارات جبران‌ناپذیری به خواهان شود و نیز در حالتی که فقط ظن نسبت به وقوع تقلب وجود دارد و تقلب قابل اثبات نیست. البته، امتناع دادگاه در چنین مواردی بسیار مشکل است. برای مثال، رجوع شود به پرونده:

American Bell Int. Inc. v. Islamic Rep. Iran, 474 F. Supp. 420 (S.P.N.Y. 1979).

فراخوانده است و اطمینان دارد که کالا هیچگاه به خریدار تحویل نخواهد شد.

وضعیت حقوقی در این گونه موارد با توجه به رأی پرونده «یونایتد سیتی مرچانتز» کاملاً روشن است.

### مدرك مثبت قلب

دادگاه لازم می‌داند مدرکی که براساس آن استثنای قلب و حیلۀ مورد ادعا قرار گرفته است روشن و واضح باشد. آکنر در پرونده‌ای اظهار نظر کرد که با توجه به سختگیری زیاده از حدی که در مورد اثبات قلب و حیلۀ وجود دارد، اعمال استثنای قلب به اصل استقلال اعتبارات اسنادی غیرممکن است ولی، با این حال، موارد زیر را در خصوص اثبات قلب ارائه می‌دهد:

«ما انتظار داریم که دادگاه از خواهان درخواست کند که مدارک قوی و مؤید قلب را ارائه کند. این مدارک می‌تواند به شکل مدارک صادره همزمان باشد بخصوص هنگامی که از ناحیه ذینفع صادر می‌گردد... اگر دادگاه تشخیص دهد که با توجه به مدرکی که در پیش رو دارد تنها استنباط منطقی این است که قلب واقع شده، بنابراین، می‌توان گفت که خواهان در اثبات ادعای خود موفق بوده است.»<sup>۴۴</sup>

44. Ackner L.J., In United Trading Corporation S.A. v. Allied Arab Bank Ltd. the Times July 23, 1984.

در این دعوی گرچه ضمانتنامه حسن اجرای کار موضوع دعوی بود ولی از آنجا که، از نقطه نظر بحث حقوقی حاضر، فرقی بین ضمانتنامه‌ها و اعتبارات اسنادی نیست لذا به آن اشاره رفته است.